

حقوق ما

ما از عدالت سستی داریم

سال دهم، شماره ۲۴/۲۵۱ آذر ۱۴۰۴ / ۱۵ دسامبر ۲۰۲۵

حق انتخاب نام فرزند



در این شماره می‌خوانید:

انتخاب نام فرزند؛ حق و تکلیف والدین

حق انتخاب نام؛ چالشی ساده اما عمیق برای اقلیت‌های زبانی در ایران

اولین سنگ بنای قانونی حق بر هویت کودک، «حق بر نام» است

حق انتخاب نام فرزند در اسناد حقوقی و قوانین ایران

نام‌گذاری و هویت: چالش‌های انتخاب اسم در ایران

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نقی محمودی، پویان مکاری، مینا موحد، سیروان منصور، علی‌اصغر فریدی

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است

و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

تشخیص شورای عالی ثبت احوال، ممنوع است و اقلیت‌های دینی هم تابع زبان و فرهنگ خود هستند.

قانون‌گذار در این بخش از ماده مذکور، اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده از دید جمهوری اسلامی ایران (زرتشتیان، کلیمیان، کلدانی‌ها و مسیحیان ارمنی و آشوری) را تابع زبان و فرهنگ خود اعلام کرده. اما در مورد اتنیک‌های غیر فارس که جمعیتشان بیشتر از اتنیک فارس در ایران است، سکوت کرده است. البته صرفاً انتخاب اسامی عربی برای فرزندان، آزاد است؛ البته نه به لحاظ احترام به زبان و فرهنگ عرب‌های ساکن ایران، بلکه دلیل آن صرفاً به خاطر درهم‌تنیدگی زبان عربی با دین اسلام است. از این روست که در اصل هفدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی، تدریس زبان عربی، به لحاظ این که زبان قرآن و علوم اسلامی بوده و به دلیل آمیختگی زبان فارسی با زبان عربی، پس از دوره ابتدایی تا پایان متوسطه در مدارس تدریس می‌شود.

نام‌های ممنوعه (تبصره ۱): انتخاب نام‌هایی که:

موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی شود. عناوین، القاب، یا نام‌های زننده و مستهجن باشد.

با جنسیت فرد نامتناسب باشد (مثلاً نام مردانه



نقی محمودی

شهروندان ایرانی در عرصه‌های مختلف با حاکمیت در تعارض و کشمکش هستند. یکی از این عرصه‌ها، عرصه انتخاب نام فرزند از سوی والدین و انتخاب نام محل کسب‌وکار شهروندان است. البته در این مقاله سعی خواهیم کرد که مطالبی را در خصوص انتخاب نام فرزند به اشتراک بگذارم و شاید در فرصتی دیگر، به موضوع ممنوعیت انتخاب نام محل کسب‌وکار نیز بپردازم.

علی‌رغم این که نام‌گذاری فرزند به ظاهر امر سهل و آسانی به نظر می‌رسد، ولی در نوع خود یک چالش عمده و دارای مشکلات عدیده‌ای برای والدین کودکان تازه‌متولد است. با این که ماده بیست قانون ثبت احوال حق نام‌گذاری را برای اعلام‌کننده (والدین) شناخته است، ولی استثنائات وارد بر آن، اصل را زیر سؤال می‌برد. ماده بیست قانون ثبت احوال اشعار می‌دارد:

انتخاب نام با «اعلام‌کننده» (والدین) است،

اما نام‌های ممنوعه، مانند نام‌های مستهجن، نامناسب با جنس، یا القاب و عناوینی که موجب

هتک حیثیت مقدسات اسلامی می‌شود، با

انتخاب نام فرزند؛ حق و تکلیف والدین



برای زن).

تشخیص ممنوعیت: شورای عالی ثبت احوال مسئول تشخیص نام‌های ممنوعه و اعلام نمونه‌های آن به سازمان ثبت احوال است. در این خصوص، لیستی از سوی شورای عالی ثبت احوال تهیه و تدوین شده و در اختیار ادارات ثبت احوال کشور قرار گرفته تا والدین، صرفاً اسامی موجود در آن لیست را برای فرزندان خود انتخاب کنند.

بررسی نقش‌های مختلف در انتخاب نام فرزند نقش دولت:

فرایند دولت‌سازی زمانی می‌تواند به شکل منطقی آغاز شود که دولت اطلاعات دقیقی از وضعیت شهروندان خویش داشته باشد تا بتواند راهزن یونانی به نام پروکوستس است که به کشنده یا درازکننده معروف بود و وی قربانیانش را به تختی می‌بست و آن‌ها را با کشیدن یا قطع پا، به اندازه تخت در می‌آورد و این تخت به تخت پروکوستس یا تخت پروکوست معروف است. البته انتخاب نام مناسب و دلخواه از حقوق اولیه هر انسانی است و انتخاب نام توسط والدین، موجب محرومیت شخص از انتخاب نام مورد علاقه خود و تحمل ابدی نام پیشین نیست. چه بسا در مواردی، اشخاص با رسیدن به سن بلوغ، ضمن تقدیم دادخواست، خواستار ابطال شناسنامه قبلی با نام انتخابی والدین و الزام به صدور شناسنامه با انتخاب نام دلخواه شده‌اند و در اکثر مواقع، دادگاه‌ها با صدور شناسنامه جدید با نام دلخواه خواهان موافقت می‌کنند.

۱ حسب فرض، نخستین گام دولت مدرن در تنظیم روابط خود با شهروندانش، شناسایی رسمی آن‌ها و برقراری رابطه تابعیت بر مبنای

اسناد سجلی است. از همین مبنا، اهمیت نام ثبت احوال اعلام کنند. و نشان نیز هویدا می‌شود. در واقع برخورداری از اهمیت ثبت این رویدادها برای قانون‌گذار و ثبت نام و نشان، پیش‌شرط حق انتخاب نام آن‌چنان اساسی بود که برای ترک تکلیف فرزند در اعطای عنوان شهروند و شناسایی سه قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط حقوق و تکالیف به عنوان تبعه ایرانی قرار گرفت. البته در اینجا دو قاعده حقوقی الزام به ثبت ولادت و الزام به داشتن نام و تعیین آن، با یکدیگر خلط شد و قانون‌گذار قاعده اخیر را نیز در کنار قاعده اول و حدودی بایکدیگر خلط کرد و قانون‌گذار در کنار قاعده اول به عنوان یکی از لوازم و ضروریات آن شناسایی نمود.

در مراحل اولیه، تمام سعی دولت‌ها بر این است که نام شهروندان در نظام ثبت احوال درج و ثبت شود. برای همین، بر اساس قانون ثبت احوال مقرر شد که ولادت هر شخص ایرانی باید نزد مرجع صلاحیت‌دار اعلام و ثبت شود. قاعده الزام به ثبت ولادت، به طور فرعی قاعده الزام به تعیین نام و نشان شخص و ثبت آن را نیز شامل می‌شد. در همین مسیر و برای این که برقراری رابطه دولت با شهروندان میسر شود، نیاز بود تا کلیه شهروندان از نام و نام خانوادگی برخوردار شوند. برای همین، هر شخص الزاماً می‌بایست دارای نام کوچک و نام خانوادگی می‌بود. برای اجباری شدن داشتن نام و نام خانوادگی، قانون‌گذار بر عهده اشخاص معینی تکلیف نمود که رویدادهای چهارگانه را به نهاد

ثبت احوال اعلام و ثبت شود. قاعده الزام به ثبت ولادت، به طور فرعی قاعده الزام به تعیین نام و نشان شخص و ثبت آن را نیز شامل می‌شد. در همین مسیر و برای این که

برقراری رابطه دولت با شهروندان میسر شود، نیاز بود تا کلیه شهروندان از نام و نام خانوادگی برخوردار شوند. برای همین، هر شخص الزاماً می‌بایست دارای نام کوچک و نام خانوادگی می‌بود. برای اجباری شدن داشتن نام و نام خانوادگی، قانون‌گذار بر عهده اشخاص معینی تکلیف نمود که رویدادهای چهارگانه را به نهاد ثبت احوال اعلام کنند. و نشان نیز هویدا می‌شود. در واقع برخورداری از اهمیت ثبت این رویدادها برای قانون‌گذار و ثبت نام و نشان، پیش‌شرط حق انتخاب نام آن‌چنان اساسی بود که برای ترک تکلیف فرزند در اعطای عنوان شهروند و شناسایی سه قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط حقوق و تکالیف به عنوان تبعه ایرانی قرار گرفت. البته در اینجا دو قاعده حقوقی الزام به ثبت ولادت و الزام به داشتن نام و تعیین آن، با یکدیگر خلط شد و قانون‌گذار قاعده اخیر را نیز در کنار قاعده اول و حدودی بایکدیگر خلط کرد و قانون‌گذار در کنار قاعده اول به عنوان یکی از لوازم و ضروریات آن شناسایی نمود.

در مراحل اولیه، تمام سعی دولت‌ها بر این است که نام شهروندان در نظام ثبت احوال درج و ثبت شود. برای همین، بر اساس قانون ثبت احوال مقرر شد که ولادت هر شخص ایرانی باید نزد مرجع صلاحیت‌دار اعلام و ثبت شود. قاعده الزام به ثبت ولادت، به طور فرعی قاعده الزام به تعیین نام و نشان شخص و ثبت آن را نیز شامل می‌شد. در همین مسیر و برای این که برقراری رابطه دولت با شهروندان میسر شود، نیاز بود تا کلیه شهروندان از نام و نام خانوادگی برخوردار شوند. برای همین، هر شخص الزاماً می‌بایست دارای نام کوچک و نام خانوادگی می‌بود. برای اجباری شدن داشتن نام و نام خانوادگی، قانون‌گذار بر عهده اشخاص معینی تکلیف نمود که رویدادهای چهارگانه را به نهاد

در این مسیر، مقرر شد که نمی‌توان نامی را انتخاب کرد که با هنجارهای جامعه ناسازگار است؛ به نامی که مغایر هنجارهای جامعه باشد، نام ممنوع اطلاق شد. البته در دنباله دستورالعمل پیش‌گفته چنین پیش‌بینی شده است که چنانچه نام انتخابی از زمره نام‌های مندرج در منابع بند فوق نباشد، نام جدید در کمیته مشورتی نام استان و سازمان مطرح و بررسی خواهد شد. این کمیته‌ها پس از دریافت نام‌های پیشنهادی، با توجه به منابع و مآخذ معتبر، نام‌های پیشنهادی را از حیث قوانین و مقررات و سایر امور، از قبیل ریشه‌شناسی، اتیمولوژی، معناشناسی، آواشناسی، موسیقی‌واژه، فرهنگ قومی و منطقه‌ای، عرف و اعتقادات دینی، فراوانی، مناسب بودن و جنسیت مورد بررسی قرار داده و راجع به هر نام، اظهارنظر می‌کنند. نتیجه نهایی راجع به نام‌های بررسی‌شده در کمیته مشورتی سازمان ابلاغ خواهد شد. اگرچه این نکته می‌تواند تا اندازه‌ای از انتقادات بکاهد، اما همچنان مغایرت پیش‌گفته به قوت خود باقی است. به علاوه، نباید از یاد برد که با توجه به تشریفات پیش‌بینی‌شده، اشخاص از پافشاری بر نام دلخواه خویش که در عین عدم ممنوعیت، در فرهنگ نام‌های نامناسب نوشته نشده، خودداری می‌کنند. در این مسیر، مقرر شد که نمی‌توان نامی را انتخاب کرد که با هنجارهای جامعه ناسازگار است؛ به نامی که مغایر هنجارهای جامعه باشد، نام ممنوع اطلاق شد. بدیهی است که با توجه به اصل اباحت، اشخاص به انجام هر اقدامی مجازند و این فعل ممنوع است که نیاز به ذکر در نصوص دارد. بنابراین، در مورد تعیین نام نیز باید معتقد بود که افراد مجاز به گزینش هر نامی هستند، مگر نام‌هایی که ممنوعیت گزینش آن‌ها در قانون تصریح شده باشد. بنابراین، مأمور ثبت احوال موظف است نام اعلام‌شده را ثبت کند، مگر آن که نام انتخابی از اسامی ممنوع باشد. اما رویه سازمان ثبت احوال به گونه دیگری شده است. بر اساس بند یک دستورالعمل نام مصوب ۱۳۹۰ توسط سازمان ثبت احوال، در صورتی که نام انتخابی اعلام‌کننده در فرهنگ نام و نام‌گزینی و یا مجموعه‌های تکمیلی نام‌های مناسب سازمان درج شده باشد، انتخاب آن بلامانع خواهد بود. به این ترتیب، به جای آن که نام‌های ممنوع در مجموعه‌ای گردآوری شده و انتخاب آن ممنوع اعلام شود، نام‌های مجاز جمع‌آوری شده است؛ رویه‌ای قابل انتقاد و غیرقابل دفاع که سبب تحدید آزادی اشخاص در انتخاب نام دلخواه می‌شود. افزون بر این، مغایر تبصره ماده بیست قانون ثبت احوال نیز

پیمان‌نامه‌های بین‌المللی در خصوص حق انتخاب نام فرزند:

حق انتخاب نام فرزند در پیمان‌نامه‌های بین‌المللی به عنوان بخشی از «حق برخورداری از هویت» به رسمیت شناخته شده است؛ به‌ویژه در «کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل» (ماده‌های هفت و هشت) که بر ثبت فوری تولد و حق کودک بر نام تأکید دارد. همچنین «بیانیه حقوق کودک» و «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» (ماده ۲۴) نیز این حق اساسی را برای هر کودک، از بدو تولد، تضمین کرده‌اند تا هویت و شخصیت اجتماعی او تقویت شود. کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل (UNCRC):

ماده ۷: کودک باید بلافاصله پس از تولد ثبت شود و از بدو تولد حق داشتن نام داشته باشد.

ماده ۸: دولت‌ها باید حق کودک برای حفظ هویتش، از جمله نام، را محترم بشمارند.

بیانیه حقوق کودک سازمان ملل (۱۹۵۹):

ماده ۲: هر کودک باید از بدو تولد صاحب نام و ملیت شود.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR):

ماده ۲۴، بند ۲: هر کودکی باید بلافاصله پس از تولد نام‌گذاری و ثبت شود.



حق انتخاب نام؛ چالشی ساده اما عمیق برای اقلیت‌های زبانی در ایران



گفت‌وگویی پیش رو نه تنها نگاهی دقیق به قانون دارد، بلکه به‌طور ویژه تجربه اقلیت‌های اتنیکی را که گاه در ساده‌ترین حق انسانی خود یعنی انتخاب نام فرزند دچار مشکل می‌شوند، برجسته می‌کند.



علی‌اصغر فریدی

آقای پشبادی، قانون ثبت احوال درباره انتخاب نام چه می‌گوید؟

در ظاهر، قانون بسیار ساده است. ماده ۲۰ قانون ثبت احوال چند شرط کلی را مطرح می‌کند: نام باید معنا داشته باشد، با جنسیت فرد هم‌خوانی داشته باشد و از واژه‌های نامناسب، تحقیرآمیز یا «غیرمتعارف» نباشد. مشکل دقیقاً از همین واژه‌های مبهم آغاز می‌شود. اصطلاحاتی مثل «متعارف»، «مستحسن» یا «غیرایرانی» هیچ تعریف مشخصی ندارند و همین باعث می‌شود اجرای قانون به برداشت شخصی مأموران واگذار شود.

یعنی بخش عمده مشکل نه در قانون، بلکه در نحوه اجراست؟

دقیقاً همین‌طور است. قانون هیچ نام کردی، ترکی یا عربی را ممنوع نکرده؛ آنچه رخ می‌دهد ناشی از تفسیرهای سلیقه‌ای است. یک نام ممکن است در یک شهر پذیرفته شود و در شهر دیگر رد شود. گاهی یک کارمند ثبت احوال با یک فرهنگ محلی آشناست و مشکلی نمی‌بیند،

نام، نخستین نشانی هویتی هر انسان است؛ واژه‌ای که نه تنها بر شناسنامه فرد نقش می‌بندد، بلکه بخش مهمی از هویت فرهنگی و تاریخی او را در خود حمل می‌کند. انتخاب نام فرزند در اغلب کشورها یک حق ساده و بدیهی برای والدین به شمار می‌رود، اما در ایران این موضوع بارها به مسئله‌ای چالش‌برانگیز تبدیل شده است. در سال‌های اخیر گزارش‌های مستندی منتشر شده که نشان می‌دهد خانواده‌هایی از اتنیک‌های مختلف (به‌ویژه کردها، ترک‌ها، عرب‌ها، بلوچ‌ها و مردمان جنوب) در انتخاب نام‌های مرتبط با فرهنگ و زبان خود با محدودیت‌ها یا مخالفت‌های اداری روبه‌رو شده‌اند. محدودیت‌هایی که نه در قانون به وضوح تعریف شده‌اند و نه معیار مشخصی برای آن‌ها اعلام می‌شود.

برای بررسی این موضوع، مجله حقوق ما گفت‌وگویی «ناصر پشبادی»، حقوقدان، انجام داده است. در این مصاحبه تلاش کرده‌ایم تا ابعاد حقوقی و اجتماعی این موضوع را بررسی کنیم.

اما کارمند دیگر همان نام را «نام‌آنوس» می‌داند ترکیبی از عوامل دخیل است. نخست، نگاه مرکزگرا در ساختار اداری ایران که فرهنگ و زبان فارسی را معیار «ایرانی بودن» می‌داند.

در سال‌های اخیر شاهد افزایش گزارش‌ها درباره برخورد با نام‌های اقلیت‌ها بوده‌ایم. آیا این یک روند سراسری است؟

بله، این مشکل محدود به یک شهر یا یک اقلیم نیست. در مناطق کردنشین، نام‌هایی کاملاً رایج مانند ژبار، هیوا، آوات یا زریان بارها با این بهانه که «در لیست نیست» یا «غیرایرانی است» رد شده‌اند. برخی والدین مجبور شده‌اند برای اثبات وجود یک نام، کتاب‌های ادبی و فرهنگ‌نامه‌های کردی با خود بیاورند.

در مناطق ترک‌نشین هم وضع مشابهی دیده می‌شود. نام‌هایی چون آراز، یاشار، آلپ‌ارسلان یا ایلگار گاهی به‌عنوان «نام خارجی» معرفی می‌شوند، درحالی‌که این‌ها بخشی از هویت زبانی میلیون‌ها ایرانی هستند.

در جنوب و جنوب‌غرب کشور، از خوزستان تا هرمزگان، برخی نام‌های عربی مانند لولوه، نَوار یا سُهَی به بهانه «غیرایرانی بودن» رد شده‌اند. در سیستان و بلوچستان نیز نام‌های بلوچی بارها با مانع روبه‌رو شده‌اند.

برخی می‌گویند انتخاب نام مسئله کوچکی است. چرا این موضوع اهمیت دارد؟

انتخاب نام ساده به‌نظر می‌رسد اما عمق فرهنگی بسیار بزرگی دارد. وقتی والدینی نتوانند نامی از زبان و فرهنگ خود را برای فرزندشان انتخاب کنند، این فقط یک محدودیت اداری نیست بلکه ضربه‌ای به هویت فردی و جمعی است.

این برخوردها ناشی از چه چیزی است؟ سیاست رسمی یا برداشتهای فردی؟

پيامدهای این رفتار بسیار گسترده است. نوعی

تحمیل فرهنگی رخ می‌دهد؛ خانواده‌ها مجبور می‌شوند نامی از فرهنگ غالب برگزینند. فشار روانی زیادی نیز به والدین وارد می‌شود، به‌ویژه وقتی بارها درخواستشان بدون دلیل روشن رد می‌شود. از سوی دیگر، این تجربه تبعیض به نسل بعد منتقل می‌شود. کودکی که بعدها بفهمد ثبت احوال «نام فرهنگی او» را نپذیرفته، این را نوعی طردشدگی تلقی خواهد کرد. در سطح کلان هم تنوع فرهنگی کشور به‌تدریج تضعیف می‌شود.

استنادهای دیوان معمولاً بر این اساس است که نام‌های اقوام مختلف بخشی از فرهنگ ایران هستند و نمی‌توان آن‌ها را صرفاً به دلیل «غیرمتعارف بودن» رد کرد. از منظر حقوق اساسی نیز اصل ۱۵ قانون اساسی استفاده از زبان‌های محلی را در امور فرهنگی آزاد می‌داند، و نام‌گذاری یکی از بدیهی‌ترین نمودهای فرهنگ است.

اگر بخواهید یک جمع‌بندی یا پیام پایانی داشته باشید، خطاب به مردم یا مسئولان، چه می‌گویید؟

اگر خانواده‌ای با رد یک نام مواجه شود چه راه‌هایی برای پیگیری قانونی وجود دارد؟

خوشبختانه مسیرهای قانونی هست، هرچند زمان‌بر و گاهی فرسایشی. اولین مسیر، درخواست بررسی مجدد در همان اداره است. والدین می‌توانند درباره ریشه فرهنگی و معنای نام توضیح دهند. گاهی همین کافی است.

اگر این مسیرها نتیجه نداد، والدین می‌توانند به دیوان عدالت اداری شکایت کنند. در بسیاری از پرونده‌ها دیوان رأی به نفع خانواده‌ها داده و اداره ثبت احوال را ملزم به ثبت نام کرده است.

مرحله بعد، ارجاع پرونده به شورای نام در ثبت احوال است. این شورا مرجع رسمی تصمیم‌گیری است. اگر فرزندتان ما با نامی که از فرهنگ ما می‌آید، متولد شوند و بزرگ شوند.

به‌عنوان یک حقوقدان باور دارم احترام به حق نام‌گذاری، احترام به هویت و تنوع مردم ایران است؛ نوعی که این کشور بدون آن قابل تصور نیست.

پيامدهای این رفتار بسیار گسترده است. نوعی

اولین سنگ بنای قانونی حق بر هویت کودک، «حق بر نام» است



پویان مکاری

حقوق بشری نیست، به این معنی که به شکل مشخص در یک سند تدوین نشده است اما به عنوان بخشی از حقوق بنیادین فردی، جایگاهی محوری در مجموعه حق بر هویت دارد. کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک (CRC) در ماده ۷، بند ۱ به صراحت تعیین می‌کند که کودک «بلافاصله پس از تولد باید ثبت هویتی بشود» و از بدو تولد «حق داشتن نام، کسب تابعیت» و «شناختن و تحت مراقبت والدین خود قرار گرفتن را دارد». ماده ۸ این کنوانسیون اولین سنگ بنای قانونی حق بر هویت کودک را «حق بر نام» می‌داند.

در مواد ۱۷ و ۲۳ میثاق حقوق سیاسی و مدنی (ICCPR) که بخشی از قواعد آمره و الزام‌آور حقوق بین‌الملل است، تصریح شده است که انتخاب نام توسط والدین «بخشی از اقتدار والدین و امور خانوادگی است و باید از مداخله خودسرانه دولت در اما باشد».

از فحواي این مواد حقوقی می‌توان حق تعیین نام را یک وضعیت سه جانبه دانست که منافع عالی کودک (ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک، حق والدین بر تربیت، آزادی خانواده و حریم خصوصی و جایگاه دولت در تامین منافع عمومی و نظم را در بر می‌گیرد.

در سال‌های اخیر، مسئله نام‌گذاری کودکان در ایران به یکی از عرصه‌های کمتر دیده‌شده اما پرچالش در نسبت میان دولت، خانواده و حقوق فردی بدل شده است؛ جایی که تصمیمی به ظاهر ساده، می‌تواند خانواده‌ها را با روندهای پیچیده اداری، برخوردهای سلیقه‌ای و حتی پیامدهای اجتماعی و حقوقی گسترده روبه‌رو کند. در پس هر نام، روایتی از هویت، فرهنگ، باور و پیوندهای عاطفی نهفته است و محدود شدن این انتخاب، برای بسیاری از والدین به تجربه‌ای تلخ و فرساینده تبدیل شده است. در چنین بستری، پرسش‌های جدی درباره حدود اختیارات دولت، حقوق خانواده و جایگاه کودک در نظم حقوقی معاصر مطرح می‌شود. در همین زمینه، با کیانوش بوستانی، حقوقدان و روزنامه‌نگار، درباره ابعاد حقوقی این مسئله و نسبت آن با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر گفت‌وگو کرده‌ایم.

بر اساس اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق کودک، «حق تعیین نام فرزند» دقیقاً چه جایگاهی دارد؟
هر چند تعیین نام فرزند یک حق مجزا در اسناد

آیا می‌توان گفت این حق بخشی از «حقوق تربیتی والدین» است؟
بله، می‌توان گفت که حق تعیین نام فرزند، هسته اصلی و پیشینه‌ای از «حقوق تربیتی و

مراقبتی والدین» است. حقوق تربیتی و مراقبتی والدین که در ماده ۱۸ CRC بر مسئولیت مشترک تأکید دارد، به والدین اجازه می‌دهد تا با در نظر گرفتن بهترین منافع کودک، مسیر زندگی و تربیت او را شکل دهند. نام‌گذاری اولین عمل تعیین هویت است که والدین برای فرزند خود انجام می‌دهند. اما این حق مطلق نیست و همان‌طور که حقوق‌دانان اشاره می‌کنند، محدود به قاعده منع سوء استفاده از حق به زیان دیگری (کودک) است. والدین به عنوان نماینده قانونی کودک برای تعیین نام عمل می‌کنند. بنابراین نباید نامی انتخاب شود که مغایر با منافع عالیه کودک باشد، مانند نام‌هایی که مضحک، توهین‌آمیز یا زنده باشند.

اگر مداخله دولت‌ها در این زمینه مجاز است، آیا این مداخله محدودیت‌هایی هم دارد؟

اگر مداخله دولت مجاز باشد، این محدودیت‌ها باید بر اساس اصل تناسب و مشروعیت هدف، بسیار محدود باشند. این محدودیت را در سه جنبه موضوع حق کودک بر نام می‌توان دید. اول: تنها نام‌هایی که به طور وضوح به سلامت روانی و کرامت کودک آسیب می‌زنند، مانند نام‌های توهین‌آمیز یا نامتناسب باید منع شوند. دوم: با توجه به ماده ۲ منشور جهانی حقوق بشر، محدودیت‌ها نباید تبعیض‌آمیز باشند، به‌ویژه بر اساس نژاد، مذهب، زبان یا منشأ ملی. و در نهایت: بر اساس ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، محدودیت‌ها نباید حق اقلیت‌های مذهبی، قومی و زبانی را در استفاده

آیا دولت‌ها از منظر حقوق بشر این اختیار را دارند که فهرست مجاز برای نام‌گذاری تعیین کنند، یا چنین اقدامی ذاتاً ناقض آزادی‌های بنیادین والدین است؟

از منظر حقوق بشر، اقدام دولت‌ها در تعیین فهرست مجاز یا ممنوعه برای نام‌گذاری، ذاتاً باید به عنوان یک «مداخله» در آزادی‌های بنیادین والدین و حق بر هویت کودک تلقی شود که نیازمند توجیه قوی و ضرورت شفاف و مشخص است. بر اساس حقوق بین‌الملل، محدودیت بر آزادی‌ها تنها در صورتی مجاز است که به موجب قانون مقرر شده باشد و اهداف مشروعی مثل حفظ نظم عمومی، اخلاق، یا

از نام‌های متناسب با هویت فرهنگی و مذهبی خود نقض کنند.

آن، به طور مستقیم به بدن آسیب نمی‌زند، اما کرامت، هویت و خودمختاری والدین و کودک را هدف قرار می‌دهد و شکافی بین هویت فردی و رسمی ایجاد می‌کند. این یک اقدام بوروکراتیک است که آزادی فردی را تحت سلطه اراده ایدئولوژیک دولت در می‌آورد.

محدودیت در نام‌گذاری چگونه می‌تواند به‌طور سیستماتیک اقلیت‌های مذهبی و قومی را هدف قرار دهد؟

محدودیت در نام‌گذاری می‌تواند به طور سیستماتیک اقلیت‌های مذهبی و قومی را هدف قرار دهد و یکی از اشکال ظریف تبعیض دولتی است. وقتی دولت نام‌هایی با ریشه یا ارجاع مذهبی یا قومی خاص را ممنوع می‌کند، در حالی که نام‌های اکثریت مجاز هستند، در واقع هویت فرهنگی اقلیت را نفی کرده و به دنبال همسان‌سازی اجباری است. این اقدام ناقض حق اقلیت‌ها برای برخورداری از فرهنگ، مذهب و زبان خاص خود است که در ماده ۲۷ میثاق حقوق سیاسی و مدنی بر آن تأکید شده است.

آیا تحمیل نام توسط دولت می‌تواند مصداق «خشونت نمادین دولت علیه فرد» تلقی شود؟

بله، تحمیل نام توسط دولت یا ممنوعیت نام‌های انتخابی والدین (بدون توجیه مشروع) می‌تواند مصداق «خشونت نمادین دولت علیه فرد» تلقی شود. «خشونت نمادین» به اعمال قدرتی اشاره دارد که خشونت‌آمیز بودن آن آشکار نیست و از طریق مکانیسم‌های فرهنگی، شناختی و اداری اعمال می‌شود. تحمیل یک نام یا ممنوعیت

آیا می‌توان گفت سلب حق تعیین نام، در نهایت تلاشی برای «کنترل هویت شهروندان از بدو تولد» است؟

می‌توان گفت که سلب حق تعیین نام، فراتر از محدودیت‌های مشروع، در نهایت تلاشی برای کنترل هویت شهروندان از بدو تولد و ابزاری برای مهندسی اجتماعی است. نام، اولین و مهم‌ترین عنصر شناسایی عمومی و هویت فردی است. تحمیل یک‌سویه نام توسط دولت می‌تواند انحصار مشروعیت فرهنگی را در دست دولت قرار می‌دهد و تنها یک قرائت واحد از تاریخ، مذهب یا فرهنگ را ترویج و حاکمیت دولت را نه بر قلمرو، بلکه بر ذهنیت و هویت درونی شهروندان تثبیت می‌کند. علاوه بر این‌ها دولت‌ها با سلب حق نام و محدود کردن انتخاب والدین، به دنبال تولید یک شهروند ایده‌آل و همگن هستند که از بدو تولد، هویت او صرفاً توسط روایت رسمی تعیین شده باشد، و این مغایر با اصل حقوق بشری نکتگرایی و حق بر هویت فردی و فرهنگی است.

حق انتخاب نام فرزند در اسناد حقوقی و قوانین ایران



سیروان منصوری

چالش‌های حقوقی و اداری، نحوه کارکرد اداره ثبت احوال در تأیید یا رد اسامی انتخابی، مسیر پیگیری شکایات والدین و پروسه حقوقی آن، با بهاره خدابخش سامانی، وکیل دادگستری، گفت‌وگو کرده است.

قانون ثبت احوال ایران چه معیارهایی برای «مجاز یا غیرمجاز بودن» نام فرزند تعیین کرده است؟ آیا لیست رسمی نام‌های ممنوع وجود دارد؟

الف) ماده ۲۰ قانون ثبت احوال: انتخاب با اعلام‌کننده است، برای نام‌گذاری یک نام ساده یا مرکب (حسین، محمدمهدی و مانند آن) که عرفاً یک نام محسوب می‌شود، انتخاب خواهد شد. (اصلاحی ۱۳۶۳/۱۰/۱۸)

تبصره ۱- انتخاب نام‌هایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می‌شود و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نام‌هایی زننده و مستهجن یا نامتناسب با جنس، ممنوع است.

تبصره ۲- تشخیص نام‌های ممنوع با شورای عالی ثبت احوال است و این شورا نمونه‌های آن را تعیین و به سازمان اعلام می‌کند.

تبصره ۳- انتخاب نام در مورد اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی تابع زبان و فرهنگ دینی آنان است.

تبصره ۴- در اسناد سجلی اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی کشور، نوع دین

نام تنها یک واژه برای شناسایی افراد نیست، بلکه هویت اجتماعی یک انسان از ابتدای تولد تا انتهای آن است. از این جهت است که اهمیت نام‌گذاری را درمی‌یابیم. بیراه نیست اگر ادعا کنیم که انتخاب نام موزون و نیکو تأثیر مستقیم بر اعتماد به نفس افراد دارد. در نتیجه، یکی از وظایف مهمی که بر دوش والدین است، انتخاب نام شایسته برای فرزندان است. اگرچه قانون‌گذار در ایران راه تصحیح نام را هموار کرده است و افراد می‌توانند در صورت واجد اشکال بودن نام خود، آن را تغییر دهند.

در ایران، اداره ثبت احوال متولی تأیید یا عدم تأیید نام افراد و دادن شناسنامه به آنان است که بر اساس مصوبه هیئت وزیران در آذرماه ۱۳۹۷ با نام اداره سجل احوال ایجاد شد. از آن زمان تاکنون و با تغییرات و اصلاحات، این اداره برای شهروندان ایرانی شناسنامه صادر کرده و در این مسیر هم همواره با چالش‌ها و مشکلاتی بر سر تأیید یا عدم تأیید اسامی انتخابی والدین برای فرزندانشان قرار گرفته است.

مجله حقوق ما در رابطه با موضوع حق انتخاب نام فرزندان از طرف والدین، اسامی ممنوعه،

آنان قید می‌شود.

تبصره ۵- ذکر سیادت در اسناد سجلی ساداتی باید مورد تأیید سازمان ثبت احوال قرار گیرند. در که سیادت آنان در اسناد سجلی پدر و یا جد غیر این صورت، اسم مربوطه در شورای «کمیته پدری مندرج باشد و یا سیادت آنان به دلایل نام» ثبت احوال بررسی می‌شود. تشخیص شرعی ثابت شود، الزامی است، مگر کسانی که خود را سید ندانند و یا عدم سیادت آنان شرعاً احراز شود.

تبصره ۶- مراتب تشریف پیروان ادیان دیگر به دین مبین اسلام، همراه با تغییرات مربوط به نام و نام خانوادگی آنان در اسناد سجلی ثبت می‌شود. (الحاقی مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۱۸) نیست و دارندگان آنها می‌توانند طبق مقررات و قوانین مربوطه نسبت به تغییر آن اسامی اقدام نمایند.

تبصره ۲۰ قانون ثبت احوال به‌وضوح مشخص کرده است. بنابراین، بر اساس قوانین ثبت احوال، نام‌ها باید مطابق با معیارهای تعریف‌شده قانونی انتخاب شوند. به این معنا که افراد در انتخاب نام باید از به‌کار بردن اسامی‌ای که با فرهنگ جامعه ناهمخوان هستند و یا معنای غیرمتعارفی دارند، اجتناب کنند. بر همین اساس نیز برای جلوگیری از به‌کار بردن اسامی متضاد با عرف و فرهنگ و مذهب، انتخاب تعدادی از نام‌ها ممنوع است.

در چه مواردی سازمان ثبت احوال

(ب) آیا لیست رسمی نام‌های ممنوع می‌تواند نام انتخابی والدین را رد کند و چه مرجعی درباره این موضوع

بله، طبق اعلام سازمان ثبت احوال، اسامی‌ای تصمیم‌گیری می‌کند؟

اداره ثبت احوال بر اساس قوانین خاصی نام‌ها را بررسی می‌کند. برخی از این قوانین شامل عدم استفاده از نام‌های زننده، توهین‌آمیز یا نام‌های نامناسب است. به عنوان مثال، اسامی‌ای غالباً

از سوی ثبت احوال رد می‌شوند که دارای معانی هنجارشکنانه و یا حتی موهن هستند. نام‌هایی که فاقد معنا و یا دون شأن انسان باشند و یا این که با فرهنگ ایرانی و یا مذهب در تضاد باشند، احتمالاً با رد مواجه خواهند شد و این مهم بر عهده والدین است که از انتخاب نام‌های دارای ایراد بر روی فرزندان خود پرهیز کنند.

آیا والدین می‌توانند پس از ثبت اولیه، نام فرزند را تغییر دهند؟ روند قانونی تغییر نام کودک زیر ۱۸ سال چگونه است؟

بله، پدر و یا جد پدری می‌توانند برای تغییر اسم در شناسنامه فرزندان زیر ۱۸ سال اقدام کنند. تغییر نام ممکن است از طریق اداره ثبت احوال یا مراجع قضایی (دادگاه) انجام شود. اگر دلیل تغییر نام جزو موارد مورد قبول سازمان ثبت احوال باشد (مثلاً اشتباه در ثبت یا معنای نکوهیده)، والدین (پدر یا جد پدری) مستقیماً به اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه مراجعه می‌کنند و درخواست تغییر نام را می‌دهند.

در صورتی که ثبت احوال نامی را «نامناسب» تشخیص دهد ولی والدین

در صورت عدم پذیرش تغییر نام در ثبت احوال، طرح دعوی در دادگاه مطرح می‌شود. اگر اداره



و با محدودیت‌هایی روبه‌روست. اما برخلاف همواره این مسئله را در نظر داشته باشند که سال‌های دورتر که سخت‌گیری‌ها نسبت به این اسامی انتخابی آن‌ها با هنجارها و قوانین داخلی موضوع بیشتر بود، امروز ما با انعطاف بیشتری ایران مخالف نباشد. در نهایت این که نقش والدین در تعیین نام برای فرزندانشان نقش اصلی است و انتخاب اسم هستند، اگر با ساختار فرهنگی و اجتماعی برای فرزند شاید یکی از شیرین‌ترین اتفاقات زندگی هر پدر و مادری باشد. پس چه نیکوست و مذهبی جامعه ایرانی انطباق داشته باشند، ممکن است مورد تأیید قرار گیرند و در این که والدین در انتخاب نام برای فرزند خویش، صورت مشکلی متوجه ثبت آن اسامی نخواهد جوانب فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای را که در شد. بنابراین، والدینی که تصمیم دارند برای آن زیست می‌کنند در نظر داشته باشند، زیرا که فرزندان خود شناسنامه ایرانی بگیرند، باید نام همراه ابدی انسان است.

به آن اصرار داشته باشند، چه مسیر حقوقی برای اعتراض وجود دارد؟ آیا امکان طرح دعوی در دادگاه وجود دارد؟ رد یا عدم ثبت نام انتخابی والدین برای فرزندشان توسط اداره ثبت احوال، از منظر حقوقی و اجتماعی ممکن است با پیامدهایی مواجه شود. آشنایی با پرونده‌های قانونی برای والدینی که نام فرزندشان در اداره ثبت احوال رد می‌شود، لازم و ضروری است، زیرا اگر اصرار بر ثبت اسم انتخاب‌شده داشته باشند، از طریق مجاری قانونی می‌توانند اقدامات لازم را انجام دهند. یکی از کارهای ضروری قبل از اقدام قانونی، جمع‌آوری اسناد و مدارک، مثل شناسنامه والدین، گواهی تولد فرزند، کارت ملی والدین و رسیدهای اداری از اداره ثبت احوال است.

والدین باید دلایل قانع‌کننده‌ای به دادگاه ارائه دهند و ثابت کنند که رد نام انتخابی آن‌ها توسط اداره ثبت احوال فاقد وجاهت است.

در مواردی که شناسنامه کودک خارج از کشور صادر شده و والدین قصد ثبت آن در ایران را دارند، آیا نام انتخابی باید با قوانین داخلی ایران تطابق داشته باشد؟ آیا شناسنامه ایرانی مورد تأیید است؟

برای مراجع به دادگاه، ابتدا باید دادخواست تنظیم و ادله و مدارک جمع‌آوری شده منضم اسم برای فرزندان از اصولی پیروی می‌کند

والدین می‌توانند به تصمیم اداره ثبت احوال اعتراض کنند. این اعتراض معمولاً باید به صورت کتبی و به همراه مستندات و دلایل موجه ارائه شود. ثبت احوال ممکن است درخواست را دوباره بررسی کند و در صورت وجود دلایل منطقی، نظر خود را تغییر دهد. اگر اعتراض به ثبت احوال نتیجه‌ای نداشته باشد و والدین همچنان به نام مورد نظر اصرار داشته باشند، می‌توانند به دادگاه مراجعه و از طریق مراجع قضایی اقدام کنند.

برای مراجع به دادگاه، ابتدا باید دادخواست تنظیم و ادله و مدارک جمع‌آوری شده منضم

نام گذاری و هویت: چالش های انتخاب اسم در ایران



مینا موحد

من دارند. اما از آن جا که انتخاب نام در یک «نامها» فقط واژه نیستند بلکه هم آینه‌ای از فرهنگ، تاریخ و تحولات اجتماعی‌اند و هم نخستین نشانه هویتی انسان‌ها؛ نقطه شروع معرفی به جامعه و بخشی ماندگار از شخصیت فردی و اجتماعی.

به روشنی می‌توان دید روند نام‌گذاری در ایران طی دهه‌های اخیر دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است؛ از گرایش به نام‌های سنتی و مذهبی گرفته تا علاقه به نام‌های جدید، کوتاه یا برگرفته از منابع متفاوت.

اما انتخاب نام کودک در ایران صرفاً تابع سلیقه والدین نیست و چارچوب‌های قانونی مشخصی بر آن نظارت می‌کند. اداره ثبت احوال با استناد به ضوابط فرهنگی، مذهبی و زبانی، برخی نام‌ها را مجاز و برخی دیگر را ممنوع اعلام می‌کند و این مسئله پرسش‌هایی درباره حدود آزادی انتخاب نام، معیارهای ممنوعیت و تسهیل یا محدودسازی تنوع نام‌ها به وجود آورده است.

در گفت‌وگو با حسین قاضیان (جامعه‌شناس)، به بررسی ابعاد اجتماعی این موضوع پرداخته‌ایم:

از نگاه شما (نام) در هویت فردی و اجتماعی انسان چه جایگاهی دارد؟

نام از یک سو، بخشی از تصویری را شکل می‌دهد که من از خودم دارم و از سوی دیگر، بخشی از تصویری را می‌سازد که دیگران از من دارند. اما از آن جا که انتخاب نام در یک بستر اجتماعی صورت می‌گیرد، خواه ناخواه از همان بستر اجتماعی هم اثر می‌پذیرد و رنگ می‌گیرد. در بعد شخصی، نام با توجه به زمینه جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، می‌تواند بر اعتماد به نفس فرد اثر بگذارد. برای همین بعضی افراد از نام خود احساس شرم می‌کنند و از دیگران می‌خواهند آن‌ها را به نامی صدا کنند که آن‌ها ترجیح می‌دهند. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌است نام‌هایی که غیر متعارف یا متعلق به اقلیت است، بر احتمال به دست آوردن فرصت‌های شغلی اثر منفی دارد. نام حتی می‌تواند حامل انتظارات اجتماعی باشد، مثلاً از رستم، حتی به شوخی، انتظار نمی‌رود ترسو باشد.

بر این اساس باید گفت نام یک «نشانه اجتماعی» است و مثل تابلوی راهنما عمل می‌کند. به ما امکان می‌دهد جنسیت، قومیت، مذهب و حتی طبقه اجتماعی فرد را حدس بزنیم، در باره‌اش داوری‌هایی کنیم و از او انتظاراتی داشته باشیم. در جامعه‌هایی که شکاف و تنش هویتی بالا می‌گیرد، گاهی نام فرد می‌تواند نوعی «بیانیه اجتماعی» هم به حساب بیاید.

مثلاً در اواسط دهه ۵۰ شمسی پیمایش‌های اجتماعی نشان می‌داد نسبت کسانی که فکر می‌کنند ایران در آینده بیشتر مذهبی خواهد بود ۳ برابر بیشتر از کسانی است که فکر می‌

کنند ایران در آینده کمتر مذهبی خواهد بود. دولت‌های عضو متعهد می‌شوند حق کودک در همین سال‌ها می‌بینیم گرایش به انتخاب نام‌های مذهبی برای فرزندان رو به افزایش است، به ویژه نام‌های جدیدتر مذهبی که در نام‌گذاری سنتی کمتر مورد استقبال بوده است. اسم‌هایی مانند ابوذر، یاسر و زینب که رنگ و بویی از نوعی اسلام سیاسی و مبارزه دارند. به همین ترتیب پیمایش‌هایی که بعد از انقلاب ۵۷ انجام شده، روند معکوسی را در تمام این سال‌ها نشان می‌دهد. به طوری که آخرین پیمایش ملی در ۱۴۰۲ نسبت افرادی که معتقدند آینده ایران کمتر مذهبی خواهد بود حدود ۹ برابر کسانی است که می‌گویند آینده بیشتر مذهبی خواهد بود. در تمام سال‌های منتهی به همین پیمایش، میزان گرایش به انتخاب نام‌های مذهبی کمتر شده و گرایش به انتخاب نام‌های غیرمذهبی افزایش پیدا کرده است. حضور نام‌هایی چون رستا، آوا، باران، آراد، آریا و سامیار در میان برترین نام‌های انتخاب شده در سال‌های اخیر نشانه‌ای از این تحول است و نشانی از رابطه هویت فردی و اجتماعی از طریق نام است.

چرا انتخاب نام را می‌توان یک حق فرهنگی/اجتماعی برای خانواده‌ها دانست؟

بنا به کنوانسیون حقوق کودک، هر فردی از بدو تولد از حق داشتن نام برخوردار است و

انتخاب کرده باشند، کودک با رسیدن به سن قانونی بتواند از این وضعیت بیرون بیاید.

اگر نام انتخاب شده از نظر اجتماعی آسیب‌زا باشد، مسئولیت با والدین است یا دولت؟

چون اختیار انتخاب نام به والدین داده می‌شود، پس مسوولیت ابتدایی هم متوجه آنان است. اما از سوی دیگر پای حقوق کودکی که برایش نامی انتخاب می‌شود هم در میان است. این کودک چون در زمانی که برایش نامی انتخاب می‌شود در موقعیتی نیست که از حقوق خود دفاع کند، پس حکومت می‌تواند به عنوان نماینده مفروض کودک عمل کند و والدین را از انتخاب نام‌های آسیب‌زا پرهیز دهد یا محدود و ممنوع کند. به علاوه دولت‌ها می‌توانند فرآیند تغییر نام‌های مناسب را وقتی فرد به سن قانونی می‌رسد آسان کنند.

وجود چنین فهرستی از نظر جامعه شناسی قابل توجیه است یا نوعی دخالت در حریم خصوصی خانواده محسوب می‌شود؟

جامعه‌شناسی یا هر علم دیگری نمی‌تواند در مورد درستی و یا نادرستی این دخالت‌ها نظری بدهد، اما می‌تواند در مورد توصیف، تحلیل، علت‌یابی و پیامدشناسی این موارد کارهایی انجام دهد. از نظر تحلیلی، این شاید مصداقی از دخالت در حریم خصوصی نباشد یا «فقط» دخالت در حریم خصوصی نباشد، بلکه سلب حق انتخاب نام از



والدین است و در مورد این حق هم با همان چالش‌هایی روبرو هستیم که بیشتر اشاره شد. از جنبه‌ای دیگر، حکومت‌ها گاهی به سبب تلاش برای یکسان‌سازی فرهنگی در موضوع نام‌گذاری دخالت می‌کنند یا برای حمایت از یک خرده فرهنگ معین. پیداست در این حالت، حکومت از نقش داور بی‌طرف بازی بین گروه‌های اجتماعی و سیاسی بیرون می‌آید و با دویینگ کردن یک خرده فرهنگ راه را برای برتری دادنش بر گروه‌های دیگر هموار می‌کند. پیامد این وضع، دیر یا زود، بی‌ثباتی سیاسی است، کم یا زیاد.

در نسل جدید چه تغییراتی در سلیقه نام‌گذاری ایجاد شده است؟

این روشن است که نام را والدین برای فرزندان انتخاب می‌کنند و نسل جدید هنوز راه دارد تا به

این جا برسد. اعضای نسل جدید، مثلاً نسلی که این روزها بیشتر به نام نسل زد شناخته شده، در بهترین حال هنوز کمتر از ۳۰ سال دارند. با توجه به این که میانگین سن ازدواج در ایران در این اواخر برای مردان حدود ۲۸.۵ سال و برای زنان ۲۴.۳ سال بوده است، تعداد کمی از آنان اکنون در موقعیت نام‌گذاری قرار دارند.

صرف نظر از این ملاحظات، فراموش نکنیم اعضای هر نسل با دست بردن در انبان زبانی نسل خود و نسل‌های همسایه نام فرزند را انتخاب می‌کند. جهان زبانی نسل‌ها که منبع و منشاء انتخاب نام است، از جهان زندگی‌شان می‌آید. جهان زندگی این نسل هم با نسل‌های پیشین‌شان فرق دارد، همان‌طور که نسل‌های دیگر هم با نسل‌های پیشین خود تفاوت داشتند. اما با توجه به شتابی که زندگی امروزه زیر تأثیر تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی پیدا کرده است، سرعت و شدت فاصله‌گیری این نسل شاید بیشتر باشد.

در نتیجه، احتمالاً نوع نام‌گذاری‌های هم فاصله بیشتری از نام‌های ملموس نسل‌های پیشین خواهد داشت. نشانه‌های این تفاوت را می‌توان در زبانی که آن‌ها در زندگی روزمره به کار می‌برند و نام چیزهای مورد توجه‌شان دید. این تفاوت‌ها، دیر یا زود در نام‌گذاری فرزندان‌شان (که تعدادش کمتر از گذشته خواهد بود) هم بازتاب پیدا می‌کند. فقط باید کمی منتظر ماند.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سرمدیبر این شماره: مریم نفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net